

کتاب دانیال — نمبر ایک سو دس

ائتلافِ ثلاثہ روم: مکاشفہ کی نرسنگوں کی نبوتی اہمیت کا انکشاف

Jeff Pippenger

2024-03-01

اسلام مذکور در وای اول و دوم باب نهم مکاشفہ، نمایانگر داوری ای بود که بر روم وارد شد. ویلیام میلر شیپورها را «داوری های خاص» ی خوانده بود که بر روم آورده شد، اما میلر نمی توانست روم جدید را، به مثابه اتحاد سه گانه ای که جهان را به آرماگدون رهبری می کند، ببیند. اوریا اسمیت دریافت که شیپورها بیانگر داوری خدا بر روم هستند، و اینکه شیپور پنجم و ششم (وای اول و دوم)، داوری هایی بر کلیسای کاتولیک بودند.

бораи тафсири ин карнай, мо боз аз навиштаҳои ҷаноби Китт истифода шудааст»
хоҳем кард. Ин нависанда ба ростӣ меғӯяд: «Дар миёни тафсиргарон қариб дар
бораи ҳеҷ қисми дигари Апокалипсис чунин ҷамоҳангии якнавохт вуҷуд надорад,
чунон ки дар хусуси татбиқи карнайҳои панҷум ва шашум, ё войҳои якум ва
дуюм, ба саросиниён ва туркон. Ин чунон ошкор аст, ки қариб наметавон онро
нодурӯст фаҳмид. Ба ҷои як ё ду оят, ки ҳар якро муайян созад, тамоми боби
нӯҳуми Ваҳй, ба қисмҳои баробар, ба тавсифи ҳар ду бахшида шудааст»

«امپراتوری روم همان گونه که به وسیله فتح و کشورگشایی پدید آمد، به وسیله فتح نیز رو به انحطاط نهاد؛ اما سراسرها و ترکان ابزارهایی بودند که به واسطه آنها دینی باطل به تازیانه کلیسایی مرتد بدل شد؛ و از این رو، به جای آنکه شیپورهای پنجم و ششم، همچون شیپورهای پیشین، تنها به همان نام خوانده شوند، وایل ها نامیده شده اند.» Uriah Smith, Daniel and Revelation, 495

آنچه میلر و اسمیت درباره شیپورها به عنوان داوری خدا بر روم درنیافتند، این بود که آن داوری ها به واسطه تحمیل پرستش خورشید تحقق یافت. در سال ۳۲۱، کنستانتین نخستین قانون یکشنبه را صادر کرد، و نه سال بعد پایتخت را از شهر روم به شهر قسطنطنیه منتقل نمود، و بدین سان فرایند ازهم گسیختگی امپراتوری روم را آغاز کرد. در باب یازدهم دانیال، مقدر بود که روم بت پرست برای یک «زمان» به طور مطلق فرمان براند؛ «زمانی» که نمایانگر سیصد و شصت سال بود، از نبرد آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد تا سال ۳۳۰، هنگامی که کنستانتین پادشاهی را به غرب و شرق تقسیم کرد.

او به آرامی حتی به حاصلخیزترین نواحی ولایت نیز داخل خواهد شد؛ و کاری را خواهد کرد که نه پدرانش کرده بودند و نه پدران پدرانش؛ و غنیمت و تاراج و ثروت را در میان ایشان پراکنده خواهد ساخت؛ آری، تا مدتی نیز تدابیر خویش را بر ضد دژهای استوار طرح خواهد کرد. دانیال ۱۱:۲۴.

در طول آن سیصد و شصت سال، امپراتوری روم عملاً شکست ناپذیر بود؛ اما هنگامی که پایتخت به شرق منتقل شد، دیگر امکان اداره چنین امپراتوری عظیمی وجود نداشت. کنستانتین کوشید با تقسیم پادشاهی میان سه پسر خود، سلطه را حفظ کند، اما این کار فقط فروپاشی آن امپراتوری پیشین را شتاب بخشید.

جب پاپائیت نے سنہ 538 میں زمین کے تخت پر قبضہ کیا، تو اورلیان کی تیسری کونسل میں اتوار کے قانون کو منظور کیا گیا. یوں سنہ 606 میں محمد نے اپنی نبوی خدمت کا آغاز کیا، اور وہ علامتی طور پر اُس نرسنگے کی نمائندگی کرتے تھے جسے مؤرخین ایک "مرتد کلیسیا کے لیے تازیانہ" کے طور پر شناخت

کرتے ہیں۔ پہلی اور دوسری ہلاکتوں کی تاریخ، جو سنہ 606 میں محمد کی خدمت سے شروع ہوئی، 22 اکتوبر 1844 کو اختتام کو پہنچی، جب ساتواں نرسنگا بجا۔

مصیبت دوم گزر چکی ہے؛ اور دیکھو، تیسری مصیبت جلد آنے والی ہے۔ پھر ساتویں فرشتہ نے نرسنگا پھونکا؛ اور آسمان میں بلند آوازیں سنائی دیں، جو کہہ رہی تھیں، دنیا کی سلطنتیں ہمارے خداوند اور اس کے مسیح کی سلطنتیں بن گئی ہیں؛ اور وہ ابدالآباد سلطنت کرے گا۔ مکاشفہ 11:14، 15

در جریان تاریخ دو وای نخست، قسطنطنیہ، پایتخت روم شرقی، در سال ۱۴۵۳ فتح شد، و روم پاپی در غرب در سال ۱۷۹۸ زخم مهلک خود را دریافت کرد. «تازیانه کلیسای مرتد» هم روم مدنی و هم روم مذهبی را فرو افکند. اتحاد سه گانه روم جدید در قانون یکشنبه ای که به زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد، تحقق می یابد.

«समात्न हात आत्मावादको जसले हुनेछन् अग्रस्थानमा तीमध्ये अमेरिकाका राज्य संयुक्त प्रोटेस्टेन्टहरू र; पुग्नेछन् खाडलमार्थ अथाह गर्न हातेमालो शक्तिसँग रोमी तनीहरू; फैलाउनेछन् हात आफ्ना खाडलपारि»
» The। हडिनेछ पदचहिनहरूमा रोमका कुल्चदै अधिकारहरू वविकका देश यो, प्रभावमा संघको त्रविधि यस
Great Controversy, 588.

در آن زمان، اسلام وای سوم، داوری خدا را بر روم جدید به سبب تحمیل عبادت روز یکشنبه به انجام خواهد رساند، همان گونه که او با روم بت پرست و روم پاپی چنین کرد. در مورد روم بت پرست، او چهار شیپور نخست را به کار گرفت تا تا سال ۴۷۶ به فرمانروایی روم در پایتخت روم غربی پایان دهد، زیرا پس از سال ۴۷۶، هیچ حاکمی بر آن شهر از تبار رومی نبود. تا سال ۱۴۵۳، شیپور پنجم اسلام به فرمانروایی رومیان بر روم شرقی پایان داد. تا سال ۱۷۹۸، فرمانروایی پاپی بر تقسیم ده گانه پیشین ملت های اروپا در تاریخ شیپور ششم اسلام به پایان رسید. زوال پادشاهی مدنی روم، هم در غرب و هم در شرق، و نیز پادشاهی مذهبی روم، در پی تحمیل پرستش بت پرستانه خورشید واقع شد.

«مردم ایالات متحده قومی برخوردار از لطف خاص بوده اند؛ اما هنگامی که آزادی دینی را محدود سازند، پروتستانیسم را واگذارند، و به پاپ گرایی میدان دهند، پیمانۀ گناه ایشان لبریز خواهد شد و "ارتداد ملی" در کتاب های آسمان ثبت خواهد گردید. نتیجه این ارتداد، نابودی ملی خواهد بود.» ریویو اند هرالده، ۲ مه ۱۸۹۳.

کاربرد سه گانه نبوت، ویژگی تحقق نهایی نبوت را بر اساس ویژگی های دو تحقق نخست آن تثبیت می کند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وای سوم در تاریخ فرا رسید. این وای در آغاز، در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پدید آمده بود، زیرا وای سوم همان شیپور هفتم است، و آن شیپور در آن زمان به صدا درآمدن را آغاز کرد. اما همان گونه که در مورد اسرائیل باستان بود، اسرائیل جدید عصیان را برگزید و به جای به انجام رساندن کار، دوره ای از سرگردانی در بیابان را پدید آورد. از این رو، زمان مهر زدن فرشته سوم به تأخیر افتاد، تا آنکه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بار دیگر آغاز شد.

«چهل سال تمام، بی ایمانی، غرولند، و عصیان، اسرائیل باستان را از سرزمین کنعان محروم ساخت. همین گناهان، ورود اسرائیل نوین را به کنعان آسمانی به تأخیر انداخته است. در هیچ یک از این دو مورد، وعده های خدا مقصر نبوده است. این بی ایمانی، دنیا پرستی، عدم تقدیس، و کشمکش در میان کسانی از قوم خداوند که دعوی ایمان دارند، ما را این همه سال در این جهان گناه و اندوه نگاه داشته است.» Selected Messages, book 2, 69.

خدا تغییر نمی کند، و او بر حسب نوری که در دسترس بوده است داوری می نماید. اسرائیل جدید نور در دسترس بیشتری نسبت به اسرائیل باستان داشت، و به ما اطلاع داده شده است که «همان

گناهان، ورود اسرائیل جدید را به کنعان آسمانی به تأخیر انداخته است.» اگر اسرائیل جدید تنها در برابر نوری مسئول شمرده می‌شد که اسرائیل باستان در برابر آن مسئول شمرده می‌شد، همان کافی بود؛ اما آنان نور بیشتری داشتند. بنابراین، اگر «همان گناهان» سبب شد که «اسرائیل باستان» به مدت «چهل سال» در بیابان سرگردان باشد، پس نه تنها اسرائیل جدید در شورش 1863 به «بیابان» رانده شد، بلکه به همان اندازه یقیناً مقدر بود که در آنجا بمیرد. «گناهان» ایشان کار فرشته سوم را تا کنون به تأخیر انداخته است.

«فرشته گفت: "فرشته سوم آنان را به صورت دسته‌ها برای انبار آسمانی می‌بندد، یا مهر می‌نهد."» این گروه کوچک پریشان‌حال می‌نمود، گویی از میان آزمون‌ها و کشمکش‌های سخت گذشته بودند. و چنین به نظر می‌رسید که خورشید تازه از پس ابری برآمده و بر چهره‌های ایشان تابیده است، به گونه‌ای که ظاهری پیروزمند یافته بودند، چنان‌که گویی پیروزی‌هایشان نزدیک بود که به طور کامل به دست آید. «Early Writings, 88»

همان گناهانی که اسرائیل باستان را محکوم کرد تا در بیابان بمیرند، کار فرشته سوم را که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پدید آمد، به تأخیر انداخته است.

«پس از آن‌که عیسی در قدس‌الاقداص را گشود، نور سبت آشکار گردید، و قوم خدا آزموده شدند، همان‌گونه که بنی‌اسرائیل در روزگار آن کهن آزموده شدند، تا معلوم شود آیا شریعت خدا را نگاه خواهند داشت یا نه. دیدم که فرشته سوم به بالا اشاره می‌کرد و راه ورود به قدس‌الاقداص مقدس آسمانی را به مایوس‌شدگان نشان می‌داد. چون آنان به ایمان به قدس‌الاقداص داخل می‌شوند، عیسی را می‌یابند، و امید و شادی بار دیگر در ایشان می‌شکفت. دیدم که آنان به گذشته می‌نگریستند و آن را از نو مرور می‌کردند، از اعلام آمدن دوباره عیسی تا گذر از تجربه خویش و رسیدن به سپری شدن زمان در سال 1844. آنان می‌بینند که علت نومیدی‌شان تبیین شده است، و شادی و یقین بار دیگر ایشان را سرزنده می‌سازد. فرشته سوم گذشته و حال و آینده را روشن ساخته است، و آنان می‌دانند که خدا به راستی ایشان را به واسطه عنایت رازآمیز خویش هدایت کرده است.» «Early Writings, 254»

فرشته سوم، فرشته مهرکننده است، و او در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آمد؛ اما کار او به سبب همان گناهانی به تأخیر افتاد که موجب شد اسرائیل باستان در بیابان هلاک شود. تأخیری که در اثر شورش ۱۸۶۳ پدید آمد، تأخیری در کار فرشته سوم بود، و بنابراین مهر شدن، بیش از یکصد سال است که به تعویق افتاده و بازداشته شده است.

«[اعداد 6:15-32، نقل قول شده.] یهوه خدا، خدای غیوری است؛ باین‌حال، او در برابر گناهان و خطاهای قوم خود در این نسل دیرخشم و شکیباست. اگر قوم خدا در مشورت او سلوک کرده بودند، کار خدا پیش رفته بود و پیام‌های حقیقت به همه مردمانی که بر روی تمامی زمین ساکن‌اند رسانیده شده بود. اگر قوم خدا به او ایمان آورده بودند و عاملان کلام او می‌بودند، اگر احکام او را نگاه داشته بودند، آن فرشته در میان آسمان پروازکنان با پیامی نزد آن چهار فرشته‌ای که مأمور بودند بادها را رها کنند تا بر زمین بوزند، نمی‌آمد و ندا در نمی‌داد: نگاه دارید، نگاه دارید، چهار باد را تا بر زمین نوزند، تا آن‌گاه که بندگان خدای ما را بر پیشانی‌هایشان مهر کنیم. اما چون قوم، همانند اسرائیل قدیم، نافرمان، ناسپاس و ناپاک‌اند، زمان به درازا کشیده است تا همه بتوانند آخرین پیام رحمت را که با آواز بلند اعلام می‌شود، بشنوند. کار خداوند به تأخیر افتاده و زمان مهر کردن به تعویق افتاده است. بسیاری حقیقت را نشنیده‌اند. اما خداوند به آنان فرصت خواهد داد تا بشنوند و توبه کنند، و کار عظیم خدا به پیش خواهد رفت.» Manuscript Releases, جلد 15، 292.

در 11 سپتامبر 2001، فرشتہ سوم بار دیگر فرا رسید، و زمان مہر زدن کہ از زمان شورش 1863 بہ تأخیر افتادہ بود، دوبارہ آغاز شد۔ این، ورود اسلام وای سوم بود، کہ ہمان شیپور ہفتم نیز ہست و آغاز زمان مہر زدن را مشخص می سازد۔ زمان مہر زدن با آمدن فرشتہ سوم در 22 اکتبر 1844 آغاز شد، ہنگامی کہ شیپور ہفتم شروع بہ نواختن کرد، اما آن شیپور بازداشتہ شد و بہ تأخیر افتاد۔

اور جس فرشتے کو میں نے سمندر اور زمین پر کھڑے دیکھا تھا، اُس نے اپنا ہاتھ آسمان کی طرف اُٹھایا، اور اُس کی قسم کھائی جو ابدالآباد زندہ ہے، جس نے آسمان اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، اور زمین اور اُن سب چیزوں کو جو اُس میں ہیں، پیدا کیا، کہ پھر مہلت نہ دے گی؛ بلکہ ساتویں فرشتے کی آواز کے ایام میں، جب وہ نرسنگا پھونکنا شروع کرے گا، تو خدا کا بھید پورا ہو جائے گا، جیسا کہ اُس نے اپنے بندوں یعنی نبیوں پر ظاہر فرمایا ہے۔ مکاشفہ 7-10:5۔

«صدای» فرشتہ ہفتم، صدای فرشتہ باب ہجدهم مکاشفہ است، کہ ہنگامی نازل شد کہ بناہای عظیم شہر نیویورک فرو افکنده شدند۔

اور ان باتوں کے بعد میں نے ایک اور فرشتہ کو آسمان سے اترتے دیکھا، جسے بڑا اختیار حاصل تھا؛ اور زمین اُس کے جلال سے منور ہو گئی۔ اور اُس نے زور سے بلند آواز میں پکار کر کہا، بڑا بابل گر پڑا، گر پڑا، اور وہ شیاطین کا مسکن، اور ہر ناپاک روح کی پناہ گاہ، اور ہر ناپاک اور نفرت انگیز پرندے کا پنجرہ بن گیا ہے۔ کیونکہ سب قوموں نے اُس کی زناکاری کے غضب کی بے پی ہے، اور زمین کے بادشاہوں نے اُس کے ساتھ زناکاری کی ہے، اور زمین کے سوداگر اُس کی عیش پرستی کی فراوانی سے دولت مند ہو گئے ہیں۔ مکاشفہ 3-18:1۔

«صدای» آن فرشتہ مقتدر کہ فرود می آید، بہ فرشتگان فرمان می دہد کہ چہار باد را نگاہ دارند؛ بادہایی کہ ہمچون «اسبی خشمگین» بہ تصویر کشیدہ شدہ اند، اسبی کہ می کوشد از بند بگسلد و در مسیر خود مرگ و ویرانی بہ بار آورد۔

«فرشتگان خداوند اوامر او را بہ جا می آورند و بادہای زمین را باز می دارند تا بادہا بر زمین، یا بر دریا، یا بر ہیچ درختی نوزند، تا آنکہ بندگان خدا بر پیشانی ہای خود مہر شوند۔ آن فرشتہ نیرومند دیدہ می شود کہ از مشرق (یا از برآمدن خورشید) صعود می کند۔ این نیرومندترین فرشتگان، در دست خود مہر خدای زندہ را دارد، یا مہر آن کسی را کہ تنہا او می تواند حیات ببخشد، و می تواند بر پیشانی ہا آن علامت یا نوشتہ را نقش کند کہ بہ دارندگان آن جاودانگی، یعنی حیات ابدی، عطا خواہد شد۔ این ہمان صدای این برترین فرشتہ است کہ اختیار داشت بہ آن چہار فرشتہ فرمان دہد تا آن چہار باد را مہار کنند تا این کار بہ انجام رسد، و تا زمانی کہ او فرمان رہا کردن آنہا را صادر کند۔» شہادت ہا برای خادمان، ۴۴۵۔

فرشتہ ای کہ بہ آن چہار فرشتہ فرمان می دہد بادہا را نگاہ دارند، ہمان فرشتہ باب ہجدهم مکاشفہ است کہ زمین را با جلال خویش منور می سازد، و «آواز بلند» او ہمان آواز فرشتہ ہفتم است۔

«و چہ نمایانگری ای در مکاشفہ ۷ برای تأمل، تسلی، و تشویق ما ارائه شدہ است! بہ آن چہار فرشتہ مأموریت دادہ شدہ است کہ کاری را بر زمین انجام دہند۔ اما آن یگانہ کہ با بخشیدن خویشتن بہ عنوان فدیہ آن، جہان را خرید، برگزیدگان اندکی دارد۔ چہ کسانی اند؟ آنان کہ تمامی احکام خدا را نگاہ می دارند و ایمان عیسی را دارند۔»

«توجہ انتباہ یوحنا إلی مشہد آخر: "ورأيت ملاکًا آخر صاعدًا من المشرق، معه ختم اللہ الحي" (رؤیا 7: 2)۔ من ہذا؟ إني ملاک العهد۔ إني یاتي من مطلع الشمس۔ إني المشرق من العلاء۔ إني نور العالم۔ "فيہ کانت الحیة، والحیة کانت نور الناس" (یوحنا 1: 4)۔ ہذا هو الذي یصفہ إشعیاء: "لأنہ یولد لنا ولد، ونعطی ابنا، وتكون الریاسة علی کتفہ، ویدعی اسمہ عجیبًا، مشیرًا، إلهًا قدیرًا، أبًا أبدیًا، رئیسًا

السلام" (إشعياء 9: 6). وقد صرخ، بصفته ذاك الذي له السيادة على جموع الملائكة في السماء، إلى الذين أعطوا أن يضرّوا الأرض والبحر، قائلاً: "لا تضرّوا الأرض ولا البحر ولا الأشجار، حتى نختم عبيد إلها على جباههم" (رؤيا 7: 2، 3).

«در اینجا الهی و انسانی در اتحاد با یکدیگرند. فرمان به چهار فرشته داده می‌شود که چهار باد را نگاه دارند تا آنگاه که دعوت او را دریافت کنند. تمام فصل را بخوانید. فریاد «آسیب مرسانید» از سوی احیاکننده، فدیهدهنده، برآورده می‌شود.

«قضاوت و غضب می‌بایست تنها برای اندک زمانی مهار شود تا کاری معین به انجام رسد. این پیام، آخرین پیام هشدار و رحمت، در انجام کار خویش به سبب محبت خودخواهانه به مال، محبت خودخواهانه به آسایش، و ناشایستگی انسان برای انجام کاری که باید انجام شود، به تأخیر افتاده است. آن فرشته‌ای که باید زمین را با جلال خویش منور سازد، در انتظار عاملان انسانی مانده است که نور آسمان از طریق آنان بتابد، و بدین‌سان ایشان همکاری می‌کنند تا آن پیام را با اهمیت مقدس و پرهیبت آن اعلام دارند؛ پیامی که سرنوشت جهان را تعیین خواهد کرد.» Manuscript Releases, volume 15, 222

فرشته سوم، که مسیح است، همان فرشته مهرگذار نیز هست که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ وارد شد، اما به سبب نافرمانی قوم خدا، کار مهر نهادن بر آن یکصد و چهل و چهار هزار تن تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به تأخیر افتاد. سپس اسلام وای سوم، بناهای عظیم نیویورک را فرو افکند، و فرایند مهرگذاری آغاز شد. در آن هنگام، امت‌ها «خشمگین شدند، اما در مهار نگاه داشته شدند». نخستین صدا در مکاشفه باب هجده، همان صدایی است که به چهار فرشته فرمان می‌دهد که تا زمانی که قوم خدا مهر شوند، نگاه دارند.

عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد، و در ۲۶ فوریه ۱۹۹۳، اسلام وای سوم، یک بمب کامیونی را در پارکینگ زیرزمینی برج شمالی مرکز تجارت جهانی منفجر کرد. این انفجار خسارت قابل‌توجهی به ساختمان وارد آورد، شش تن را کشت و بیش از هزار نفر دیگر را مجروح ساخت. هرچند این حمله موجب فرو ریختن برج‌ها نشد، اما اقدامی تروریستی مهم در خاک ایالات متحده بود و رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را پیشاپیش نمود.

مهر لگانه کا زمانه 11 ستمبر 2001 کو شروع ہوا، لیکن اسی میں آٹھ سال پہلے ایک پیشگی تنبیہ بھی شامل تھی۔ 7 اکتوبر 2023 کو اسرائیل پر اسلامی حملہ مهر لگانے کے زمانے کے اختتام کی ایک پیشگی تنبیہ ہے۔ تیسرے ہائے کی نبوی خصوصیات پہلے دو ہائے کی نبوی خصوصیات کے ساتھ قائم کی جا چکی ہیں۔ مکاشفہ کے باب نو کی ابتدائی آیات میں ایک لاکھ چوالیس ہزار پر مهر لگائے جانے کی تصویر پیش کی گئی ہے۔

ما این موضوع را در مقاله بعدی بررسی خواهیم کرد.

«اگر چنین صحنه‌هایی در پیش باشد، چنین داورهای سهمگینی بر جهانی گناہکار، پناه قوم خدا کجا خواهد بود؟ آنان چگونه تا زمانی که خشم بگذرد، محفوظ نگاه داشته خواهند شد؟ یوحنا عناصر طبیعت—زلزله، توفان، و کشاکش سیاسی—را می‌بیند که به وسیله چهار فرشته مهار شده‌اند. این بادها تحت کنترل‌اند تا زمانی که خدا فرمان دهد رها شوند. امنیت کلیسای خدا در همین‌جاست. فرشتگان خدا اوامر او را به‌جا می‌آورند و بادهای زمین را بازمی‌دارند، تا بادها بر زمین، نه بر دریا، و نه بر هیچ درختی نوزند، تا آنگاه که بندگان خدا بر پیشانی‌های خود مهر شده باشند. آن فرشته نیرومند را می‌بینیم که از مشرق (یا از محل برآمدن خورشید) صعود می‌کند. این نیرومندترین فرشتگان در دست خود مهر خدای زنده را دارد، یا مهر او را که تنها اوست که می‌تواند حیات ببخشد، او که می‌تواند بر پیشانی‌ها علامت یا نوشته‌ای نقش کند که به دارندگان آن جاودانگی، حیات ابدی، عطا خواهد شد. این صدای همین فرشته برترین بود که اقتدار داشت به

آن چهار فرشته فرمان دهد که آن چهار باد را در مهار نگاه دارند تا این کار به انجام رسد، و تا آنگاه که او فرمان رها کردن آن‌ها را صادر کند.»

«آنان که بر جهان، نفس و ابلیس غالب آیند، همان برگزیدگانی خواهند بود که مهر خدای زنده را دریافت خواهند کرد. آنان که دست‌هایشان پاک نیست و دل‌هایشان طاهر نیست، مهر خدای زنده را نخواهند داشت. آنان که در اندیشه گناه‌اند و آن را به عمل می‌آورند، از ایشان در گذشته خواهد شد. تنها کسانی که در حالت روحی خود در حضور خدا، جایگاه توبه‌کنندگان و اعتراف‌کنندگان به گناهان خویش را در روز عظیم ضد نمادین کفاره پر می‌کنند، به‌عنوان شایستگان حمایت خدا شناخته شده و نشان خواهند شد. نام‌های آنان که استوارانه در انتظار و مراقبت ظهور نجات‌دهنده خویش‌اند—با اشتیاق و آرزومندی‌ای بیشتر از آنان که منتظر صبح‌اند—در شمار مهرشدگان آورده خواهد شد. آنان که، با آنکه تمام نور حقیقت بر جان‌هایشان می‌تابد، باید اعمالی متناسب با ایمان اقرارشده خویش داشته باشند، اما به‌وسیله گناه فریفته می‌شوند، در دل‌های خود بت‌ها برپا می‌دارند، جان‌های خویش را در حضور خدا فاسد می‌سازند، و آنان را که در گناه با ایشان متحد می‌شوند آلوده می‌کنند، نام‌هایشان از دفتر حیات محو خواهد شد، و در تاریکی نیمه‌شب واگذاشته خواهند شد، در حالی که در ظرف‌های خود با چراغ‌هایشان روغنی ندارند.» اما برای شما که از نام من می‌ترسید، آفتاب عدالت با شفا در بال‌های خویش طلوع خواهد کرد.»

«ختم خادمان خدا همان است که در رؤیا به حزقیال نیز نشان داده شد. یوحنا نیز شاهد این مکاشفه بس شگفت‌انگیز بود. او دریا و امواج خروشان آن را دید، و دل‌های مردم را که از ترس از کار می‌افتاد. او دید که زمین متزلزل شد، و کوه‌ها به میان دریا افکنده شدند (که این امر به معنای واقعی کلمه در حال وقوع است)، و آب‌های آن غریزند و آشفته شدند، و کوه‌ها از خیزاب آن به لرزه درآمدند. به او ویاها، آفت‌ها، قحطی و مرگ نشان داده شد که مأموریت هولناک خویش را به انجام می‌رسانند.» شهادت‌ها برای خادمان، 445.